

# افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل  
۲۸ اکتوبر ۲۰۲۲

## امریکا، اسرائیل و یا پاکستان؛ کدام یک "داعش" را زنده کرد؟

پنجشنبه- ۵ عقرب ۱۴۰۱ - کابل: از مهمترین خبرهای دیروز منطقه که حتا خیزش های تظاهراتی سراسری ایران را تحت شعاع قرار داد، حمله مسلحانه فردی منسوب به "داعش" در زیارت "شاهچراغ" در شهر شیراز ایالت فارس ایران بود، همچنان در صدر خبر های امروز افغانستان، حمله مسلحانه "داعش" بر یک مینی بس حامل کارمندان صحنی قول اردوی ولایت هرات بود که در اثر آن ۶ تن از داکتران و پرستاران شاغل در آن قول اردو کشته و ۱۳ تن دیگر بشدت زخمی شده اند. در یادداشت امروز مکث کوتاهی در همین مورد خواهیم داشت:

۱- هرگاه این خبرها راست باشد و واقعاً "داعش" همزمان در دو کشور همسایه دست به جنایت زده باشد و دولت ها هم رژیم ولایت فقیه و هم نظام ملاسالار خود دستی در آن نداشته باشند، باید بگوئیم که این دو عمل همزمان برای بار اول است که از "داعش خراسان" اسم با مسمائی را به نمایش گذاشته در عمل مرزهای سیاسی افغانستان و ایران را نادیده گرفته است.

۲- آنچه در این بحث از اهمیت بیشتر برخوردار است، زنده شدن متواتر "داعش" است بعد از مرگهای متواتر. بدین معنا که طبق اعلامیه های رسمی حاکمیت دینی هر دو کشور ایران و افغانستان، آنها بارها ادعا کرده اند که بیخ و ریشه "داعش" را در این دو کشور از بین برده اند، در حالی که این ادعا در ایران به چند سال قبل بر می گردد و نداشتن هیچ نوع تبارزی عملی از "داعش" مؤید ادعای حاکمیت ایران به شمار می رفت، در افغانستان نظام ملاسالار چندین بار چنین ادعائی را نموده در هفته قبل بعد از کشتار بیرحمانه چند تن از مخالفان شان با بستن اتهام عضویت "داعش" در کارته نو شهر کابل، باز هم اعلام داشتند که گویا بر وجود "داعش" در افغانستان نقطه پایان را گذاشته اند.

۳- خواندن چنین اخباری و پیدا شدن مجدد "داعش" بعد از گذشت زمانی چند، برای انسان دو سؤال را به وجود می آورد: آیا حاکمیت های دینی روی دلایلی که نزد خود دارند، دروغ می گویند و ختم حیات داعش را قبل از وقت اعلام می دارند؟ و یا اساساً داعش به مثابه دست دراز مداخلات امپریالیستی-صهیونیستی در منطقه از بیرون به این دو کشور انتقال داده می شوند.

این که هر دو دولت دینی ممکن است دروغ بگویند و برای بزرگنمایی خودشان و دادن نوعی اطمینان به پیروان شان چنین دروغی را نشخوار نمایند، نمی تواند منتفی باشد، اما واقعیت قضیه آن است؛ آنچه را ما در افغانستان و ایران به نام "داعش" می شناسیم آنها شبکه تروریستی دست ساخت "سیا" و "موساد" است که اگر خود قادر به انتقال آنها به

افغانستان و ایران نباشند، وظیفه انتقال آنها را بر دوش متحد همیشگی شان دولت پاکستان و استخبارات نظامی آن کشور "آی. اس. آی." می گذارند.

۴- این که چرا این قلم در همان آغاز راست بودن چنین اخباری را علی رغم گویا مسؤولیت گرفتن "داعش" زیر سؤال می برم و بدان شک می نمایم، شناخت دقیق از ماهیت هر دو دولت دینی چه به صورت رژیم ولایت فقیه و چه هم نظام ماسالار می باشد.

تا جایی که مطالعه اسناد این دو دولت دینی و عملکرد آنها نشان داده، برای هر دو دولت در تمام دوران حیات شان، حفظ حاکمیت و بقای حاکمیت خودشان حتا بر تر از شناخت یگانگی خدا و پیامبری "محمد" می باشد. اصلی را که خمینی بدون هراس از بقیه اسلام شناسان و حتا مردم ایران و جهان صریحاً بیان داشت. نامبرده در یکی از گفته هایش علناً "حفظ نظام" را "اوجب واجبات" اعلام داشت. این حکم می رساند که حفظ نظام برای آنها واجبتر از حفظ پنج بنای مسلمانی می باشد.

با حرکت از چنین شناختی زیاد بعید به نظر نمی رسد که رژیم ولایت فقیه حمله بر زیارت شاه چراغ را خود انجام داده باشد یا حد اقل بستر عملیات را فراهم نموده باشد تا زیر نام خطر احیای "داعش"، از یک سو احساسات مذهبی افراد و قشر های عقب مانده جامعه را به نفع خود تحریک و آنها را به پشت سر و حمایت از رژیم بسیج نماید و از جانب دیگر به ماشین سرکوبش آزادی عمل بیشتری داده، صدای هر نوع اعتراضی را به بهانه جلوگیری از نفوذ "داعش" در گلو خفه کند.

این امر می تواند در مورد نظام ماسالار نیز صدق نماید. نظام ماسالار می تواند عمل هرات را به دو منظور خود انجام داده باشد، عامل نخست با قربانی نمائی نقش و ردپای احتمالی خودش را در انتقال "داعشی" به ایران مخفی دارد و در ثانی، با کشتن افراد مشخصی تناسب قواء را در داخل نظام ماسالار به نفع جناح حامی عمل تغییر بدهد. هموطنان گرامی!

اسلام سیاسی در کل و نظامهای ماسالار در هر دو کشور به صورت خاص، شرایطی را به وجود آورده اند که هر نیروی ضد مردمی و تروریست و نوکر امپریالیسم و صهیونیسم بتواند با استفاده از آن، در هر گوشه این کشور ها جوی های خون را جاری سازد. راه نجات از مرگ و نابودی، تنها مرگ این نهاد های تروریستی نیست بلکه نابودی نظامهای ماسالار در هر دو کشور می باشد. این واقعیت را می باید بپذیریم تا زمانی که در کشور های افغانستان و ایران نظامهای ماسالار وجود دارند، همیشه این امکان وجود دارد که امپریالیسم و صهیونیسم از موقعیت بد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و خفقان و بی حقوقی مردم سود جسته، به مانند گذشته باز هم بار بار با کشتن مردمان بیگناه دو کشور اظهار وجود نمایند. پس برای نجات از ترور و تروریسم در گام نخست می باید حاکمیت های دینی را در هر دو کشور نابود نمود.

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل**

**و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد**

**تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**